خبر

روایتی از یک فاجعه در مستند «میوه‌ها روی درخت مانده‌اند»

مجموعه مستند «میوه‌ها روی درخت مانده‌اند» به کارگردانی علی خسروی با موضوع علل وضعیت فعلی در بخش کشاورزی ایران آماده نمایش شد.

به گزارش جام جم، مجموعه مستند میوه‌ها روی درخت مانده‌اند به بررسی تحلیلی صنعت کشاورزی در محورهای تولید، عرضه، صادرات، واردات، قاچاق، دلالیسم و مدیریت کشاورزی در ایران و همچنین ارائه راهکار در هرکدام از بخش‌ها می‌پردازد که در هشت قسمت ۲۵ دقیقه‌ای آماده نمایش شده‌است.

شش قسمت از این مجموعه مستند مربوط به کشور ایران است و این پرسش مطرح می‌شود کشوری که بیش از ۱۲ هزار سال پیشینه کشاورزی دارد چرا امروز با چنین وضعیتی در این بخش مواجه شده‌است و با وجود این‌که کشاورزان می‌توانند به نتایج مطلوبی برسند به چه علتی محصولات روی درخت‌ها می‌مانند یا چرا در قسمت توزیع و عرضه با اشکالات فراوان به دست مصرف‌کننده می‌رسند؟

همچنین دو قسمت از مجموعه میوه‌ها روی درخت مانده‌اند مربوط به نحوه کشاورزی در دو کشور پیشرو است که در قسمت هفتم به موضوع موفقیت کشور ترکیه در برندینگ و بازاریابی محصولات کشاورزی این کشور و در قسمت هشتم به شیوه تدریس کشاورزی در دانشگاه واخنینگن هلند به عنوان مهم‌ترین و معتبرترین دانشگاه کشاورزی دنیا پرداخته شده‌است.

همچنین در این مجموعه مستند با اسماعیل فلاحی، استاد ایرانی دانشگاه آیداهوی آمریکا و نایب‌رئیس انجمن علوم باغبانی آمریکا نیز مصاحبه شده‌است. فلاحی تحصیلات خود را در رشته مهندسی علوم باغبانی در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز به پایان رساند و بعد از آن راهی آمریکا شد و زیرنظر اساتیدی همچون پروفسور وست وود مدرک دکترای خود را دریافت کرد و بعد از آن به عنوان استاد دانشگاه آیداهو انتخاب شد.

تصویربرداری «صفروبیست‌ویک» به ۱۰ درصد رسید

سروش جمشیدی و امیرحسین رستمی مقابل دوربین سریال «صفروبیست‌ویک» رفتند.

به گزارش جام جم، مهدی فرجی تهیه‌کننده مجموعه تلویزیونی صفروبیست‌ویک، با اشاره به آخرین وضعیت این سریال گفت: هم‌اکنون تصویربرداری سریال صفروبیست‌ویک به کارگردانی مشترک سیامک انصاری و سیدجواد رضویان با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در حال انجام است و حدود ۱۰ درصد سریال تصویربرداری شده است. وی ادامه داد: سیامک انصاری و جواد رضویان از دوستان قدیمی هستند و تاکنون همکاری‌های مشترک بسیاری با هم داشتند، اما سریال صفروبیست‌ویک اولین تجربه کارگردانی مشترک آنها و در کنار یکدیگر است که خوشبختانه به خوبی پیش می‌رود؛ ضمن این‌که علاوه برکارگردانی به عنوان بازیگر هم در این سریال نقش‌آفرینی می‌کنند.

فرجی افزود: تصویربرداری سریال هم‌اکنون در تهران ادامه دارد و سروش جمشیدی و امیرحسین رستمی به عنوان تازه‌ترین بازیگران این سریال جلوی دوربین رفته‌اند.

مهدی فخیم زاده، سروش جمشیدی، رویا میرعلمی، نگار عابدی، آزیتا ترکاشوند، مریم شیرازی، افشین آقایی، پادینا کیانی، مهبد بیور و محمد ماهان فلاحتی از جمله بازیگران سریال صفروبیست‌ویک هستند.

این مجموعه تلویزیونی در چهار فصل برای پخش از شبکه سه سیما ساخته می‌شود.

پخش زنده خورشیدگرفتگی از شبکه ۴

ویژه‌برنامه «راهنمای مسافران کهکشان» از ساعت ۹ صبح امروز با پخش زنده آخرین خورشیدگرفتگی قرن ۱۴ شمسی از جزیره کیش روی آنتن شبکه چهار می‌رود.

به گزارش جام جم، در بخشی از ویژه‌برنامه دو ساعته راهنمای مسافران کهکشان، مصطفی یاوری، پژوهشگر تاریخ نجوم، خورشیدگرفتگی‌های قرن ۱۴ شمسی را مرور خواهد کرد. زمان آغاز آخرین خورشیدگرفتگی قرن ۱۴ شمسی در نقاط مختلف ایران از حوالی یک ربع به ۹ تا حدود ۹ و ربع صبح متغیر است. اوج این گرفتگی هم حوالی ساعت ۱۰ تا ۱۰:۳۰ صبح برای نواحی مختلف ایران روی می‌دهد. همچنین حوالی ساعت ۱۱:۱۵ تا ۱۲ ظهر این کسوف در نقاط مختلف کشور پایان می‌یابد. راهنمای مسافران کهکشان یک دایره‌المعارف تصویری درباره فضا و نجوم است که فصل اول آن سال گذشته در ۲۶ قسمت روی آنتن رفت و فصل دوم آن امسال از شبکه چهار پخش خواهد شد.

گفت‌وگو با هادی مقدم دوست، کارگردان مجموعه «سرباز» که پخش آن به پایان رسید

«سرباز» نمی‌خواست متفاوت باشد

ادامه از صفحه ۵

از آنجا که کار مشارکتی بود، ستاد کل نیروهای مسلح چقدر روی داستان تاثیرگذار بود؟

قبل از این که ستاد کل نیروهای مسلح سفارش ساخت این کار را به ما بدهند، ما طرحی را در زمینه سربازی نوشته بودیم و ارائه دادیم که در جلساتی که با هم داشتیم، به یک‌سری نکات و موضوعات جدید هم رسیدیم که در کار لحاظ کردیم.

ایده ساخت این سریال از خودتان بود؟

بله این ایده خیلی قدیمی بود ... سال‌ها پیش آقایان مهران مهام و ایرج محمدی به حمید نعمت‌ا... و بنده پیشنهاد کاری را دادند که در پادگان شکل می‌گرفت، ایده‌ای که زمان آن به قبل یا حتی همزمان با سریال وضعیت سفید برمی‌گشت، فکر می‌کنم سال ۸۶ بود.

پس بازهم آقای نعمت‌ا... در این سریال نقش داشتند، از این موضوع می‌گویید؟ چون خیلی‌ها می‌گفتند که این کار هم مثل بقیه مجموعه‌هایی که داشتید با هم مشترک است.

در همان سال‌ها طراحی با هم انجام شد، در مرحله طرح قصه‌ها با هم پیش رفتیم و در ادامه در پیش‌تولید هم این همکاری ادامه داشت تا به فیلمنامه رسیدیم که آن را شخصا نوشتم.

شما خودتان سربازی رفته‌اید؟

بله، راحت بپرسید. (باخنده)

صحبت‌ها و نقدهای زیادی درباره نگاهی که به سربازی در سرباز داشتید وجود داشت، مثلا برخی‌ها می‌گفتند که به شکل کاریکاتوری به این موضوع پرداخته‌اید.

این موضوع مبهمی نیست و می‌شود درباره هر صحنه صحبت کرد. چون فیلم چیزی بیشتر از خودش نیست و در آن صحنه‌هایی در پادگان وجود دارد که باید درباره تک‌تک آنها جداگانه و با ذکر مثال حرف زد.

مثلا ورود آرش مجیدی به سربازی و سکانس اولین حضور آنها باعث تعجب خیلی‌ها شده بود و می‌گفتند که کجا در این حد با رعایت آداب و این موارد با سربازها صحبت می‌کنند، آن هم از اولین روز...

همین موضوع و اتفاق هم ممکن است فراوانی نداشته باشد اما چیزی است که وجود دارد. در ابتدا اصلا این صحنه را نداشتیم اما در حین تحقیقات و مطالعاتی که برای این ماجرا انجام دادیم و فیلم‌هایی که دیدیم، متوجه شدیم خیلی جاها مراسمی برای ورود سربازان دارند و اگر ما ندیدیم به این معنی نیست که اصلا چنین چیزی وجود ندارد و نمی‌شود قطعی منکر آن شد. در این بین انتقادی که مطرح می‌شود باید دقیق‌تر باشد.

> می‌گویند سربازی این سریال چرا گل و بلبل است، این کلیتی است که با آن برخورد کردم اما به صورت جزئی و سکانس به سکانس چیزی نشنیدم

ما که نرفتیم اما خیلی اوقات کسانی که رفته‌اند می‌گویند چنین برخوردهایی را در پادگان‌ها ندیده‌اند و این نظرات کم هم نیستند.

در اینجا دو حالت وجود دارد؛ یکی آن‌که برخی می‌گویند این مراسم را ما ندیده‌ایم و نمی‌دانیم وجود دارد یا نه و عده‌ای هم می‌گویند در بدو ورود چنین مراسمی وجود دارد و ما آن را دیده‌ایم، اما بعضی منتقدان می‌گویند خیر! شما دروغ گفته‌اید و ابداً چنین مراسمی وجود ندارد. اما درست و دقیق آن این است که بگوییم این مراسم در جاهایی اجرا می‌شود و در جاهایی نمی‌شود، نه این‌که اجرای چنین مراسمی از اساس دروغ است.

خود شما با چه انتقاداتی روبه‌رو شدید؟

بیشتر همین نکته است که می‌گویند سربازی این سریال چراگل و بلبل است، این کلیتی است که با آن برخورد کردم اما به صورت جزئی و سکانس به سکانس چیزی نشنیدم. با این حال برخی منتقدان باز هم با همان نگاه که «شما دروغ می‌گویید» در مورد سکانسی مثل وجود گل و گلدان در آسایشگاه گفتند که ما هر جا بوده‌ایم کثیف و نامرتب بود پس این تصویر ارائه شده کذب است. به نظرم این نظرات عجولانه است چراکه ما هیچ وقت برای این موارد دکوری تدارک ندیدیم و آن آسایشگاه را از یک مکان واقعی استفاده کردیم.

علاوه بر اینها ریتم کند قصه و وجود نریشن در مجموعه هم موضوعی است که مخاطب به آن عادت ندارد و با واکنش‌های مختلفی همراه شد. شما با چه نگاهی به سراغ چنین فضایی رفتید؟

خوشحالم که از عنوان عادت استفاده کردید. چون این به معنی پیشرفت در اندیشه است. من هم می‌توانم بگویم که بله خیلی‌ها به این سبک کاری عادت ندارند. اما از شما می‌پرسم اگر قرار باشد همیشه بر طبق ذهنیتی که وجود دارد پیش برویم، پس چه کسی قرار است ریسک و ایجاد تنوع کند؟ اگر قرار باشد اتفاق‌های جدیدی نیفتد و همیشه بر اساس فرمول‌های مطمئن که آدم را نگران نمی‌کند پیش برویم، آن وقت چطور ممکن است تنوع ایجاد شود؟ البته هدف ما از ابتدا شکستن عادت‌ها و انجام یک کار جدید نبود بلکه می‌خواستیم داستانی را روایت کنیم که اقتضائات آن ایجاب می‌کرد که از نریشن و راوی استفاده کنیم وگرنه برنامه‌ای برای آن که حتما کار تازه‌ای کنیم نداشتیم اما خروجی‌ای که در مواجهه با مخاطبان ارائه می‌شود واکنش‌های مختلفی را به همراه دارد. در این بین همه برخوردها تند نبود و بسته به آدم‌ها برخی‌ها دقت بیشتری به ماجرا کردند و برخی هم از کنارش گذشتند.

مخاطب تلویزیون کم حوصله است و اگر با کاری ارتباط برقرار نکند به راحتی کانال تلویزیون را عوض می‌کند.

من نمی‌توانم باور کنم مخاطب تلویزیون کم حوصله است. من فکر می‌کنم این یک نظر اثبات نشده‌است. چرا باید این را بپذیریم که مخاطب تلویزیون کم حوصله است؟ طبق چه آماری این موضوع بیان می‌شود؟

طبق آمار صداوسیما و گزارش‌های میدانی، سریال‌هایی که مورد توجه مخاطبان قرار نمی‌گیرند، معمولا در رده پایین جدول صداوسیما جای می‌گیرند.

اما به عقیده من مخاطب تلویزیون خیلی هم پرحوصله است که هر کاری را که پخش کنیم تحمل کرده و تماشا می‌کند. حال اگر تعدادی بی قراری می‌کنند و بروز و ظهور اینترنتی دارند را نمی‌توان به همه مخاطبان تعمیم داد. اتفاقا به نظر من مخاطب تلویزیون استعداد پرحوصله بودن را دارد. ضمن این که باید تحقیق کرد و دید این کم حوصلگی به خود مخاطب برمی‌گردد یا به خوراکی که به آنها دادیم.

مخاطبان تلویزیون قصه‌گویی را دوست دارند و به همین دلیل با داستان و شخصیت‌ها در طول سریال همراه می‌شوند. اما به شرطی که این جذابیت را برایش ایجاد کرده باشند. اما بپذیرید که قصه شما کم مایه و تا حدودی ضعیف بود و گنجایش ۵۰ قسمت را نداشت.

این نکته هم باید بررسی شود. اگر از ابتدا سریال را مرور کنیم، می‌بینیم قصه چقدر شخصیت‌های مختلفی دارد و وقایع مهمی در آن اتفاق می‌افتد. بنابراین باید اثبات شود پیش فرض‌هایی که شما می‌گویید بر چه اساسی است؟ من به راحتی هر چیزی را نمی‌توانم بپذیرم. اما به این معنی نیست که انتقادپذیر نیستم.

قبول ندارید که سریال سرباز تعلیق و کشش چندانی نداشت که مخاطب ۵۰ قسمت با شخصیت‌ها و داستانش همراه شود؟

تعلیق و کششی که شما از آن نام می‌برید، درباره سریال‌های حادثه‌ای است. باز به همان عادت‌هایی که داریم برمی‌گردد. تعلیق و کشش‌های ما درونی است. سرباز یک سریال شخصیت محور است. از ظاهرش هم پیداست. چون این همه نریشن داشت. در واقع درباره درونیات آدم‌ها حرف می‌زند. راوی هم درباره این درونیات رای می‌دهد و قضاوت می‌کند. بنابراین در چنین داستانی با چنین شخصیت‌هایی طبیعی است که کشش‌ها و تعلیق‌ها هم درونی باشد. پس نمی‌توان سراغ تعلیق‌هایی رفت که تاکنون در کارهای دیگر دیده‌اید. در این مورد مثالی می‌زنم، مثلا شما یک‌بار با بنده گفت‌وگو می‌کنید و می‌بینید که بنده آدمی هستم بداخلاق و بی‌ادب که حتی سلام هم نمی‌کنم. خب به شما بر می‌خورد و آزرده می‌شود. حالا فکر کنید دوسال بعد است و قرار است دوباره با مقدم‌دوست گفت وگویی انجام شود و قرار است کار را به یک نفر بسپرند. حالا برای شما تعلیق ایجاد می‌شود نکند باز دوباره گفت‌وگو با این آدم تندخو را به من بسپرند. بله! این یک تعلیق درونی است و از جنس تعلیق‌های حادثه محور نیست. تعلیق‌های این سریال غالبا این‌گونه است؛ درونی است.

خیلی‌ها معتقدند روابط آدم‌ها در این سریال غیرواقعی است. به خصوص درباره رفتار یلدا نسبت به همسرش انتقادهایی وجود دارد. در این باره توضیح بدهید.

من برای شما در این زمینه مثالی می‌زنم. بر فرض شما در آرزوی خرید یک آپارتمان باشید، اما با کسی که ازدواج می‌کنید، به این خواسته شما اهمیت ندهد و در حقیقت به آرزوی شما اهمیت و بها نمی‌دهد. اگر شما صبور نباشید و در عین حال طرف مقابل را دوست داشته‌باشید، ممکن است فریاد نزنید اما دلتان می‌گیرد و قهر می‌کنید. واکنش‌های یلدا هم از این جنس است.

یلدا با این‌که تحصیلکرده و یک دختر امروزی است، اصلا درکی از شغل و جایگاه و شرایط یحیی ندارد و مدام در جدال با همسرش است. تا جایی که حوصله مخاطب را سر می‌برد.

بله واقعیت این است که یلدا درکی ندارد و در ابتدای سریال به خودش فکر می‌کند. اما در انتهای داستان به دیگران بیشتر فکر می‌کند. ما در داستان سیر تحول این شخصیت را به وضوح می‌بینیم. در ابتدا یلدا افق دید محدودتری دارد و فقط به خودش و اینکه خانه مستقل داشته‌باشد، فکر می‌کند. اما در ادامه به زندگی با یحیی در یک خانه سازمانی در یک شهر مرزی رضایت می‌دهد. آدمی‌که اصرار داشت به روستا نرود، به چنین خانه‌ای رضایت می‌دهد. آخرین دیالوگش هم این بود: اینجا خونه منه.

به هر حال آدم‌های تحصیلکرده به نسبت آدم‌های عادی واکنش‌های منطقی‌تری باید داشته‌باشند.

اصلا این طور نیست. آنها آدم‌های تحصیلکرده‌ای هستند، اما منطقی نیستند؛ چون به مدارج بالای اخلاقی که نرسیده‌اند.

چرا سن بازیگران این قدر بالاست و در قصه هم آیا منطقی است که فردی مثل یحیی با این سن به سربازی برود؟

بله در واقعیت هم پیش می‌آید که یک نفر به دلیل این‌که در حال تحصیل است و یکی دو تخصص دارد، در سنین بالا به سربازی برود. ضمن این‌که ما در همین سریال سربازهای دیگری را داریم که در سنین پایین‌تر مشمول شده‌اند. این سریال تصور خیلی‌ها را از بین برد که فکر می‌کردند سربازها همگی جوان‌های ۱۸ ساله هستند.

در فیلم «سر به مهر» لیلا حاتمی وبلاگ‌نویس بود و در این سریال یلدا و یحیی مدام در حال پیامک بازی هستند. این هم لزوم قصه بود یا خواستید تفاوتی را با کارهای دیگر ایجاد کنید؟

من باز هم تاکید می‌کنم که ما نمی‌خواستیم متفاوت عمل کنیم. هر اتفاقی که در سریال افتاد، لزوم قصه و موقعیت‌ها بود. چون نریشن و راوی که اختراع ما نبود. اما لزوم قصه ما بود. چون با درونیات آدم‌ها در این سریال رو به رو بودیم. اگر ما می‌خواستیم هر اتفاقی را که در درونیات می‌افتد، با ساز و کارهای بیرونی که در درون قصه رخ می‌دهد بروز بدهیم، همه چیز خیلی مفصل و طولانی می‌شد. بنابراین از نریشن و پیامک‌های یلدا و یحیی در کار استفاده کردیم.

سرباز اولین سریالی بود که بعد از افطار پخش می‌شد، اصلا فکر می‌کنید این مجموعه مناسب ماه رمضان بود؟

من جواب این سوال را درست نمی‌دانم؛ اما سعی می‌کنم اندکی به پاسخ نزدیک شوم. باید دید اصلا برای ماه رمضان چه سریالی مناسب است؟ در بعضی مناسبت‌ها این سوال مطرح است. مثل نوروز یا محرم که فضای خاصی را می‌طلبد اما واقعا برای ماه رمضان با وجود طیف متنوعی از سریال‌ها که هر سال روی آنتن می‌رود چه جوابی می‌شود داد؟

یعنی از اول قرار بود که این سریال ماه رمضانی باشد؟

نه، از ابتدا قرار نبود که در ماه رمضان این اتفاق بیفتد. با همه اینها باز هم باید به همان سوال جواب داد که سریال مناسب ماه رمضان یعنی چه؟ البته من هم شنیده‌ام که می‌گویند مردم عادت کرده‌اند با فضای طنز یا موارد خاص دیگری بعد از افطار روبه رو شوند اما جواب این سوال که زمان پخش مناسب بود یا نه را واقعا نمی‌دانم. کاشکی راجع به این موضوعات بیشتر پژوهش شود تا همه‌مان با همدیگر متوجه شویم که یک کار مناسب برای ماه رمضان چه کاری است. برخی می‌گویند خیلی از انتقادات راجع به این کار به خاطر عدم هماهنگی توقع تماشاچی پای سفره افطار با این مدل کار است و عده‌ای هم می‌گویند: ما خیلی هم کار را دوست داشتیم و عده‌ای هم می‌گویند این باکس پرمخاطب است. نظر زیاد است و باید به یک نتیجه‌گیری رسید. هر نظر فردی نمی‌شود نتیجه‌گیری کلی محسوب شود.

با وجود همه این صحبت‌ها خودتان از خروجی کار راضی بودید؟

من همه سعی ام را کردم که مجموعه با کیفیت و کاری را که مناسب باشد، انجام دهم.

نکته

پادگان، پادگان بود

ما تمام آن صحنه‌ها را در پادگان گرفتیم و تلاشی نکردیم تا آن فضای سبز را ایجاد کنیم، بلکه همان ترکیبی بود که فرمانده و سربازان با ذوق آن را در آسایشگاه‌شان ایجاد کرده بودند.

در این بین ما از بین مواردی که وجود داشت اینجا را انتخاب، کردیم و این انتخاب موضوعی است که از میان پادگان‌هایی که دیدیم روی آن تاکید می‌کنم.

مکث

ریتم سرباز کند نیست

قصه ما قصه مطالعات درونیات آدم‌ها بود و اینجا خودبه‌خود نیازی به وجود می‌آید که لازم می شد تا با حوصله و تفصیل حرف بزنیم.

این که سریع به مرحله بعدی برویم مربوط به کارهای ماجرامحور است اما داستان‌های شخصیت‌محور به شکلی است که ریزبه‌ریز درونیات آدم را مطالعه می‌کنند و در آنها ناخودآگاه لازم است مراحل تغییر شخصیت‌ها را گام به گام نشان دهیم. این می‌شود پیشرفت تدریجی، نه کند.